

غزل شماره ۲۵۰

روی بنمای و وجودِ خودم از یادِ بر

خرمنِ سوختنِ راهمه کو بادِ بر

ما چو دادیم دل و دیده به طوفانِ بلا

گویا سیلِ غم و خانه ز بنیادِ بر

زلفِ چون عنبرِ خاش که بوید؟ هیمات

ای دلِ خامِ طمع، این سخن از یادِ بر

سینه‌کو شعله آتشکده فارس بکش

دیده‌کو آب رخ دجله بغداد بر

دولت پیرمغان باد که باقی سهل است

دیگری کو برو نام من از یاد بر

سعی نابرده در این راه به جایی نرسی

مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد بر

روز مرگم نفسی وعده دیدار بده

وان گم تابه بخد فارغ و آزاد بر

دوش می گفت به مژگانِ درازت بکُشم
یارب از خاطرش اندیشه پیداد بر

حافظ اندیشه کن از نازکیِ خاطریار
برو از در گمش این ناله و فریاد بر

تفسیر فال

برای رهایی از غم و اندوهی که در دل دارید، خود را به هر آب و آتشی می زنید و به راستی جگر سوخته ای دارید که حتی با آب های خنک یک رودخانه نیز نمی توان آن را آرامش بخشید. در این مسیر دشوار، شما حاضر هستید تمامی مشقات و سختی ها را به جان بخرید، تنها به شرط اینکه بتوانید توجه دولت و بخت خود را جلب کنید. این موضوع نشان دهنده عزم راسخ شما در مواجهه با چالش هاست؛ چرا که همان طور که معروف است، تا

زمانی که کار نکنید، مزدی هم نصیب شما نخواهد شد. بنابراین بر آن باشید تا تلاش کنید و کوشش نمایید تا وقتی که جان در بدن دارید و از هر فرصتی برای پیشرفت بهره ببرید. زندگی پر از چالش‌هاست، اما با اراده قوی و پشتکار می‌توانید بر تمام موانع فائق آمده و به آرزوهای خود نزدیک‌تر شوید.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا